

بی هوش کردن حیوانات قبل از ذبح

سیدعلی حسینی

در روزگار ما گروه‌های طرفدار محیط زیست در کشورهای غربی فعالند، بسیاری از آنها درباره حقوق حیوانات حساسیت فراوان دارند و در این باره مقاله‌ها و کتابهای متعددی نوشته‌اند. از نکته‌هایی که این گروه‌ها بر آن پای می‌فشارند - که البته جریان ذبح را نیز آسان می‌سازد - بی هوش کردن حیوانات قبل از ذبح است؛ زیرا این عمل سبب می‌شود حیوان درد کمتری احساس کند و رنج و سختی کشته شدنش کاهش یابد. به هر روی در زمان ما بی هوش کردن حیوانات قبل از ذبح در اغلب کشورهای جهان رایج شده است، از این رو بیان حکم شرعی آن لازم به نظر می‌رسد.

جایز بودن این عمل در کتاب «پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح» به شرح اثبات شده و فقهای معاصر بی هوش کردن حیوان را پیش از ذبح جایز دانسته‌اند، مگر آن که به مرگ قبل از ذبح منجر شود. [۱]

این مقاله در پی توضیح مکرر آن مسأله نیست. بلکه به دنبال آن است که روشن سازد نه تنها بی هوش کردن حیوان جایز است بلکه به احتمال زیاد مستحب است. در واقع این مقاله اثبات استحباب این حکم را پی می‌گیرد. مهم‌ترین دلیل استحباب بی هوش کردن حیوانات پیش از ذبح آن است که بی شک بی هوشی مصداق مهربانی به حیوان است و مهربانی به حیوان مستحب و روایات متعددی استحباب مهربانی به حیوان را اثبات می‌کند.

در گروهی از این روایات مهربانی به حیوانات در هنگام ذبح توصیه شده است:

۱- استحباب تیز کردن آلت ذبح تا ذبح به سرعت انجام گیرد و فرجام پذیرد و حیوان کم تر اذیت شود. در روایتی در این باره چنین آمده است: «أحد الشفرة»؛ «آلت ذبح را تیز کن.» [۲]

۲- با قدرت کشیدن چاقو و با قوت ذبح کردن تا ذبح با شتاب انجام شود و حیوان احساس درد کم تری کند. در روایتی در این باره چنین آمده است: «و یمرّ السکین بقوة»؛ «چاقو را با قوت بر گلوئی ذبیحه بکشد.» [۳]

۳- تسریع در ذبح تا حیوان زودتر از درد خلاص شود. شهید ثانی در این باره در مسالک می‌نویسد:

«مستحب است تسریع در ذبح تا آسان تر انجام شود.» [۴]

شاید مستند این حکم شرعی روایاتی باشد که بر نیکی کردن به ذبیحه دلالت دارد. روایتی است مشهور که از پیامبر خدا - صلی الله علیه وآله وسلم - نقل کرده‌اند:

«خداوند نیکی کردن و احسان بر هر چیزی را بر شما واجب کرده است ... از این رو هرگاه خواستید حیوانی را ذبح کنید ذبح را به نیکویی انجام دهید.» [۵]

۴- مکروه بودن ذبح حیوانی در برابر حیوانی دیگر. ذبح حیوان در برابر حیوانی دیگر که او را می‌بیند مکروه است. در شرایع در این باره می‌نویسد: «و یکره ان یذبح حیوان و آخر ینظر الیه.» [۶] «ذبح حیوانی در حالی که حیوان دیگری به آن نگاه می‌کند، مکروه است.» مستند این فتوا روایتی است که غیث بن ابراهیم از امام صادق - علیه السلام - و ایشان از جدشان امیرمؤمنان نقل کرده است:

«لا تذبح الشاة عند الشاة و لا الجزور عند الجزور و هو ینظر الیه.» [۷]

عبارت «لا تذبح الشاء» را چه به صورت نهی و چه به صورت نفی بخوانیم از ذبح حیوان در حالی که حیوانی دیگر او را تماشا می کند نهی کرده است و ظاهر نهی بر حرام بودن این گونه ذبح دلالت دارد. شاید به همین دلیل شیخ طوسی در «نهایه» این عمل را حرام دانسته است. [۸]

فقه‌های معاصر شیعه و مراجع تقلید طبق این حدیث فتوا داده اند. به عنوان نمونه در رساله یکی از مراجع تقلید معاصر در این باره چنین آمده است :

«چند چیز در کشتن حیوانات مکروه است: اول در جایی حیوان را بکشد که حیوان دیگر آن را ببیند.» [۹]

۵- مکروه بودن چرخاندن چاقو در حلقوم حیوان. چرخاندن چاقو در حلقوم حیوان در هنگام ذبح سبب اذیت و درد بیشتر او خواهد شد و این عمل از مکروهات ذبح است و برخی از فقیهان آن را حرام دانسته اند. [۱۰] مستند این فتوا روایتی است که حمران ابن ابی اعین از امام صادق - علیه السلام - آن را نقل کرده است :

«...و لا تقلب السکین لتدخلها تحت الحلقوم ...» [۱۱]

«چاقو را جهت داخل کردن در حلقوم، نچرخان.»

۶- مکروه بودن کندن پوست حیوان پیش از مرگ کامل. نباید پیش از آن که بدن حیوان سرد شود و روح آن به طور کامل از بدن خارج گردد حیوان را پوست کنند. شیخ در «نهایه» نوشته است که اگر پیش از آن، حیوان را پوست کنند خوردن گوشت آن حلال نیست. مستند این حکم نیز روایتی است که از حضرت رضا - علیه السلام - نقل شده است :

«إذا ذبحت الشاة و سلخت او سلخ شیء فیها قبل ان تموت لم یحل أکلها.» [۱۲]

«هرگاه حیوانی ذبح شود و همه یا بخشی از آن قبل از مرگ [کامل] حیوان پوست کنده شود، خوردن گوشت آن حلال نیست.»

ظاهر این روایت به روشنی بر حرام بودن کندن پوست حیوان پیش از خروج کامل روح آن، دلالت دارد، اما فقها از آن رو که این روایت ضعیف است حکم کراهت را از آن استنباط کرده اند.

۷- مکروه بودن کشتن حیوانی که ذابح آن را پرورش داده است. کشتن حیوانی که انسان خود آن را تربیت کرده و سالها با او انس داشته است به نوعی بی رحمی و نامهربانی به شمار می آید و در روایات از آن نهی شده و گروهی از فقها آن را مکروه دانسته اند. [۱۳]

«عن ابی عبدالله - علیه السلام - قال: قلت له: الرجل یعلف الشاة و الشاتین لیضحی بها، قال: لا أحب ذلک. قلت: فالرجل یشتری الجمل او الشاة فیتساقط علفه من هیئها و هیئها فیحییء الوقت و قد سمن فیذبحه؟ فقال: ولكن اذا کان ذلک الوقت فیدخل سوق المسلمین ولیشتر فیها و یذبحه.» [۱۴]

«ابی صحاری می گوید به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: شخصی به یک یا دو گوسفند علف می دهد [آن ها را پرورش می دهد] تا برای قربانی از آنها استفاده کند. حضرت فرمود: این کار را دوست نمی دارم. عرض کرد: شخصی شتر یا گوسفندی را می خرد و برای او از این جا و آن جا علوفه فراهم می کند تا این که زمان ذبح آن فرا می رسد و آن ها را سر می برد؟ حضرت فرمود: [چنین نکنند] و هرگاه وقت انجام چنین کاری رسید داخل بازار مسلمانان شود و حیوانی بخرد و آن را ذبح کند.»

در روایت دیگری محمد بن فضیل از امام رضا - علیه السلام - چنین نقل کرده است :

«قلت له: كان عندي كبش سمنته لأضحى به فلما أخذته فأضجته نظر إليّ فرحمته و رفقت له ثمّ إني ذبحته، قال: فقال: ما كنت أحبّ لك أن تفعل؛ لا تربين شيئاً من هذا ثمّ تذبحه.» [١٥]

«به حضرت رضا - عليه السلام - عرض کردم من برای قربانی روز عید اضحی قوچی را پرورش دادم چون او را گرفتم و به زمین زدم تا ذبح کنم. نگاهی به من کرد پس با او مهربانی و مدارا کردم حضرت فرمود: دوست نداشتیم چنین می کردی؛ نباید حیوانی را تربیت کنی آن گاه سرش را ببری.» [١٦]

۸- مکروه بودن بریدن نخاع ذبیحه. سر حیوان باید به هنگام ذبح از ناحیه گلو بریده شود، نه از پشت سر، و در هنگام بریدن سر ذبیحه نباید این عمل به گونه ای انجام شود که نخاع حیوان صدمه بخورد و یا بریده شود. فلسفه این حکم به احتمال قوی آن است که ذبیحه اذیت می شود. از این رو باید صبر کند تا حیوان بمیرد و بدنش سرد شود، آن گاه سر او را از تن جدا کند .

محقق در شرایع در این باره چنین می نویسد :

«و یکره ... ان تنخع الذبیحة، قیل: فیها یحرم.»

«و مکروه است که نخاع ذبیحه را [پیش از سرد شدن بدن او ببری] و برخی از فقیهان گفته اند این عمل حرام است.» [١٧]

مستند این فتوا روایتی است که کلینی به نقل از جناب محمد بن مسلم از امام باقر - علیه السلام - نقل کرده است :

«استقبل بذبیحتک و لا تنخعها حتی تموت ...» [١٨]

«ذبیحه ات را رو به قبله ذبح کن [و پیش از آن که بمیرد] نخاع آن را قطع مکن.»

نیز در کافی در این باره چنین نقل شده است :

«و کان یحسن أن یدبح و لا ینخع و لا یقطع الرقبه بعد ما یدبح.» [١٩]

«و شایسته است که حیوان ذبح شود و نخاع او بریده نشود و [بلافاصله پس از ذبح قبل از مردن حیوان] سر از تن او جدا نگردد.»

در روایت دیگری حلبی از امام صادق - علیه السلام - چنین روایت کرده است :

«لا تنخع الذبیحة حتی تموت و اذا ماتت فانخعها.» [٢٠]

«نباید پیش از آن که حیوان بمیرد نخاع او را ببری و سر از تنش جدا کنی. پس هر گاه حیوان مرد سر از تنش جدا کن و نخاع آن را ببر.»

بدین سان بریدن نخاع حیوان پیش از آن که جان دهد برای او دردآور است و ذبح باید به گونه ای انجام شود که حیوان کمتر اذیت شود، به ویژه باید حرمت سر حیوان نگاه داشته شود و تا آن جا که ممکن است سر او کمتر آزار ببیند .

در روایتی امام صادق - علیه السلام - چنین فرمود :

«...الرأس موضع لذكاة... و أبعد من الأذی»

«...سر محل ذبح ... و دورتر است از اذیت و آزار.»

از مجموع این روایات و روایات مشابه و نیز روایات متعددی که درباره حقوق حیوان در مقاله های مختلف در فرهنگ جهاد آورده شده است استفاده می شود که مهربانی با حیوان در زمان حیات و به هنگام ذبح دست کم مستحب است و برخی از مصادیق این مهربانی در وقت ذبح حیوان در روایات و فتاوی فقها آمده است که فشرده ای از آنها نقل شد .

بی هوش کردن حیوان پیش از ذبح از مصادیق جدید این مهربانی به حیوان است و به احتمال قوی مشمول حکم استحباب می باشد .

هر کدام از این روایات گرچه به تنهایی نمی تواند استحباب بی هوش کردن حیوان قبل از ذبح را اثبات کند، اما از همه آنها روی هم رفته می توان ملاکی به دست آورد که عبارت است از استحباب مهربانی به حیوان قبل از ذبح که بی هوشی مصداق آن است. مسایلی که درباره استحباب مهربانی با حیوانات به هنگام ذبح آورده شد از مسایلی است که فقها بدانها فتوا داده اند .

به عنوان نمونه ترجمه فتوای آیت الله حکیم را در منهاج الصالحین می آوریم :

«و مستحب است حیوان را پس از ذبح رها سازد [تا دست و پا زند] و آلت ذبح را تیز کند و با سرعت سر حیوان را ببرد و حیوان آلت ذبح را نبیند و ذابح رو به قبله بایستد و در هنگام ذبح حیوان را به این طرف و آن طرف نکشاند، بلکه رها کند تا در همان مکان بمیرد و حیوان را برای ذبح با مهربانی ببرد و پیش از ذبح آب را به او عرضه کند و کارد را با قوت بر گلوی حیوان بکشد [تا زودتر جان دهد و راحت شود] و در سرعت ذبح بکوشد و جدیت کند تا برای حیوان آسانتر باشد. از پیامبر خدا نقل شده است که فرمود: "خداوند متعال احسان و نیکی را در همه چیز بر شما واجب کرده است، پس هرگاه حیوانی را می کُشید در کشتن و ذبح کردن به آن نیکی کنید و باید کارد خود را تیز کرده و ذبیحه را راحت کنید [کارد را تیز کنید و با کارد تیز سر حیوان را ببرید تا زودتر راحت شود و درد کمتری ببیند]"» [۲۱]

پی نوشت:

- [۱] پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح، محمد رحمانی، ص ۳۵۰.

- [۲] وسایل الشیعه، ج ۱۶، باب سوم از ابواب ذبح، حدیث ۲.

- [۳] مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۲۸.

- [۴] مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۲۸.

« [۵] ان الله تعالی کتب علیکم الاحسان فی کل شیء ... فاذا ذبحتم فأحسنوا الذبحة. » ر.ک: پژوهشی تطبیقی در احکام فقهی ذبح، ص ۴۱۳؛ شرایع الاسلام، ص ۷۴۰.

- [۶] شرایع الاسلام، ص .

- [۷] وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۸، باب ۷، ح ۱.

- [۸] شیخ در نهاییه در این باره چنین می نویسد: «لا يجوز ذبح شیئی من الحيوان صبراً و هو أن يذبح شيئاً و ينظر اليه حيوان آخر.»؛ «ذبح کردن حیوان در حالی که حیوان دیگری به او نگاه می کند، جایز نیست.» نهاییه، ص ۵۸۴.

- [۹] توضیح المسایل، آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، ص ۵۵۶، مسأله ۲۷۴۵.

- [۱۰] شرایع الاسلام، ص ۷۴۰.

- [۱۱] وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۱۴، باب ۳، ح ۲.

-[۱۲]وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۴، باب ۸، ح ۱ .

-[۱۳]جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۱۳۸ .

-[۱۴]وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۷۴، باب ۲۰، ح ۲ .

-[۱۵]وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۰۸ .

-[۱۶]در رساله آیت الله فاضل لنکرانی در این باره چنین آمده است: «مکروه است ... خود انسان چهارپایی را که پرورش داده است بکشد.»
ص ۵۵۷، مسأله ۲۷۴۵ .

-[۱۷]شرایع الاسلام، ص ۷۴۰ .

-[۱۸]وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۸ .

-[۱۹]کافی، ج ۶، ص ۲۳۳ .

-[۲۰]وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۵۸، باب ۶، ح ۱ و ۲. این روایت در کافی چنین آمده است: «ولا ینخع و لا یکسر الرقبۃ حتی تبرد الذبیحه.»؛ «و نباید پیش از آن که بدن ذبیحه سرد شود نخاع آن را ببرد و گردن او را بشکنند.» کافی، ج ۶، ص ۲۳۳ .

-[۲۱]منهاج الصالحین، با حاشیه شهید آیت الله سید محمدباقر صدر، ج ۲، ص ۳۶۶ .